

تضمین اصول بنیادین در پرتو تدابیر دادرسی کیفری

زینب باقری نژاد، استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران،

zeynab.bagherinejad@srbiau.ac.ir

چکیده

کنکاش در هر نظام حقوقی نشان می‌دهد اصول بنیادین در آن نظام حقوقی، زیرساخت‌ها و پایه‌های آن نظام را می‌سازند. اصول بنیادین دادرسی به مثابه اصول کلی و دائمی ریشه در حقوق اساسی داشته که وجود آن‌ها باعث پایداری و دوام و نبود آن‌ها موجب از هم گسیختگی حیات دادرسی و مشروعیت آن می‌گردد. این اصول منشاء خود را در ارزش‌ها و باورهای هر نظام، دستاوردها و آموزه‌های حقوق بشری، حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی می‌یابند و به همین علت، در قلمرو آیین دادرسی کیفری، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. بنابراین، تأمین و تضمین آن‌ها از طریق شناخت رابطه این اصول با تدابیر دادرسی و تعیین ضمانت اجرای متناسب در مقابل هر گونه عدول یا نقض این اصول امکان‌پذیر خواهد بود. رابطه بین اصول دادرسی، که در برخی موارد قاعده ساز و در برخی موارد راهبردی هستند، با تدابیر کیفری را گاه می‌توان در درون فرآیند دادرسی کیفری و گاه در بیرون از فرآیند دادرسی کیفری یافت. در این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیل، تلاش شده است تا با شناخت نوع اصل و نوع رابطه بین اصول قاعده ساز یا راهبردی و تدابیر دادرسی، از یک سو درجه اهمیت و جایگاه آن اصل مورد توجه قرار گیرد و از سوی دیگر، ضمانت اجرای مناسب در پاسخ به نقض آن اصل، تعیین و تبیین گردد.

کلید واژگان: اصول بنیادین، اصول قاعده ساز، اصول راهبردی، آیین دادرسی کیفری.

مقدمه

اصول، مجموعه قواعدی است که حقوق موضوعه را می‌سازند^۱ و از دیدگاه ژا گرنو، اصول بنیادین «مجموعه قواعدی است که هدف اصلی آن، تبیین نقش اصحاب دعوا و دادرسان در فرآیند دادرسی و به ویژه تعیین حقوق متهمان و بزه دیدگان با

^۱- M. Étienne Vergès, "Les principes directeurs du procès judiciaire", (Thèse dactyl, université d'Aix-Marseille, 2000), 19.

تضمینات اساسی مربوط به آن هاست».^۲ رعایت هر قاعده حقوقی، نیازمند تضمین آن قاعده از طریق پیش‌بینی ضمانت‌اجراه‌های مطلوب و مناسب است. این ضمانت‌اجراه‌ها، تضمین‌گر حُسن جریان این اصول در مراحل مختلف دادرسی کیفری به ویژه مرحله تحقیقات مقدماتی خواهد بود. از این روست که «اصول بنیادین دادرسی از یک سو، دربرگیرنده قواعد آمره مربوط به اعمال و اجزای دادرسی است و از سوی دیگر، مبنای مجازات‌نقضی است که می‌تواند ناشی از عدم رعایت این الزامات و قواعد آمره باشد».^۳

اگر مخاطبان حقوق، خود را در انجام یا عدم انجام قواعد حقوقی آزاد و بدون مکافات تصور نمایند، چگونه می‌توان هدف حقوق که تنظیم روابط اشخاص و برقراری نظم در اجتماع است را محقق نمود. همین ویژگی است که می‌طلبد اشخاص در اجتماع حقوق و تکالیف متقابلی داشته باشند و هرگاه حقوق آن‌ها مورد تعرض قرار گیرد، اعاده آن و واکنش در مقابل متجاوز از سوی دولت تأمین و تضمین گردد. تأمین و تضمین این حقوق با رعایت اصول بنیادین دادرسی و تعیین ضمانت اجرا در مقابل هر گونه عدول یا نقض این اصول امکان‌پذیر می‌گردد. شناخت تضمین‌های اصول بنیادین دادرسی در دعاوی کیفری، جز از طریق بررسی رابطه بین اصول بنیادین و تدابیر دادرسی ممکن نخواهد بود و از این طریق است که ضمانت‌اجراه‌های حاکم بر اصول بنیادین قابل شناسایی خواهد بود.

بنابراین، اصول بنیادین دادرسی که به دنبال اداره اعمال و اجزای دادرسی و تضمین حُسن جریان دادگستری هستند، تلاش می‌کنند جریان رسیدگی‌های کیفری را قاعده‌مند و آن را در یک چارچوب قانونمند، هدایت نمایند. این اصول گاه در درون فرآیند دادرسی در رابطه مستقیم (۱) با اقدامات و تدابیر قضایی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، نمود می‌یابند و گاه در خارج از فرآیند دادرسی در رابطه غیرمستقیم (۲) با اجزای دادرسی و اعمال قضایی مطرح می‌گردند.

۱: رابطه مستقیم

برخی از اصول بنیادین دادرسی رابطه مستقیمی با اقدامات و تدابیر قضایی در فرآیند رسیدگی‌های کیفری دارند. این دسته از اصول در درون فرآیند دادرسی به عنوان اصول قاعده ساز قلمداد می‌گردند که رعایت آن‌ها شرط اعتبار اقدامات و اعمال دادرسی محسوب می‌شود. اما دسته دیگری از این اصول به عنوان اصول راهبردی شناخته می‌شوند که هدف آن‌ها اعتبار بخشی به اقدامات قضایی نیست، بلکه به دنبال تضمین حُسن جریان دادگستری و اداره مطلوب فرآیند قضایی هستند و عدم رعایت آن‌ها با ضمانت‌اجراه‌هایی غیر از بطلان یا بی‌اعتباری اقدامات و تدابیر رو به رو می‌گردد. این نکته را نباید فراموش کرد که تفکیک اصول بر اساس این تقسیم‌بندی همواره به راحتی امکان‌پذیر نیست و بسیاری از اصول وصف و نقش دوگانه‌ای را بازی می‌کنند که قرار دادن آن‌ها در یک دسته، بر اساس مهم‌تر جلوه نمودن یک ویژگی نسبت به ویژگی دیگر بوده است. بنابراین، شناخت اصول قاعده ساز در درون فرآیند دادرسی (بند نخست) و همچنین، اصول هدایت‌گر در درون فرآیند دادرسی (بند دوم) اهمیت می‌یابد.

^۲- Gérard, Cornu, *Vocabulaire juridique*, (Paris: Puf, 2022), 229.

^۳- M. Étienne Vergès, *Procédure pénale*, (Paris: Lexis Nexis, 2020), 23.

۱-۱: اصول قاعده ساز در درون فرآیند دادرسی

برای شناخت بهتر اصول قاعده‌ساز ابتدا چيستی اصول قاعده‌ساز (الف) و ماهیت آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد (الف)، سپس جلوه‌هایی از اصول قاعده‌ساز (ب) بیان می‌گردد.

۱-۱-۱: چيستی اصول قاعده ساز

هر فرآیند دادرسی کیفری، آغاز و پایانی دارد. در مرحله تحقیقات مقدماتی با کشف جرم، این فرآیند شروع و با صدور قرار نهایی در این مرحله خاتمه می‌یابد. مرحله تحقیقات مقدماتی که دربرگیرنده مجموعه اقداماتی است که به موجب قانون برای کشف جرم و تحصیل ادله کیفری صورت می‌پذیرد،^۴ تابع قواعد و اصولی است که عدم رعایت آن‌ها می‌تواند منجر به بطلان تحقیقات و بی‌اعتباری ادله گردد. در واقع، این دسته از اصول و قواعد دادرسی، در جریان رسیدگی‌های کیفری، شرایط اعتبار و صحت اعمال و تدابیر قضایی را هدف قرار می‌دهند و هر چند در قالب یکی از اصول بنیادین نمود می‌یابند، اما به عنوان اصولی قاعده‌ساز قلمداد می‌شوند که در دل فرآیند دادرسی و در ارتباط مستقیم با اقدامات قضایی قرار گرفته و به عنوان معیار سنجش سلامت و صحت این تدابیر در نظر گرفته می‌شوند. این اصول قاعده‌ساز، هر چند خود بر مبنای مجموعه‌ای از قواعد حقوقی بنیان گذاشته شده‌اند، اما در عین حال، رعایت آن‌ها در جریان رسیدگی‌های کیفری، پایه گذار قواعدی است که در قانون، رویه قضایی و نظریه‌های علمای حقوق به رسمیت شناخته شده‌اند. قاعده ساز بودن این دسته از اصول - در مقابل اصول راهبردی که قاعده ساز قلمداد نمی‌گردند - باعث گردیده است تا قانونگذار و رویه قضایی در تعیین ضمانت اجرای عدم رعایت آن‌ها از ضمانت اجرای خاص دادرسی استفاده نماید.

بی‌تردید از دل بسیاری از اصول بنیادین می‌توان قواعد چندی را استنباط و استخراج نمود. اما در مفهوم اخص، اصلی قاعده ساز قلمداد می‌گردد که/ولاً، بر اساس و مبنای آن، سایر قواعد و اصول دادرسی ایجاد و تفسیر گردد؛ ثانیاً، در پرتو رعایت آن اصل، ارزش قضایی و اعتبار اقدامات و تدابیر دادرسی سنجیده گردد و ثالثاً، نقض این دسته از اصول به مفهوم «عدول از تشریفات اساسی دادرسی و منافع اساسی اصحاب دعوا»^۵ قلمداد گردیده و با بطلان ذاتی ادله تحصیلی یا فرآیند تحقیقات مواجه گردد.

۱-۱-۲: جلوه‌هایی از اصول قاعده ساز

یکی از مهم‌ترین اصول قاعده‌ساز در فرآیند دادرسی کیفری، اصل برائت است که در پرتو آن، مبنای بسیاری از قواعد و اصول حقوقی قابل توجیه خواهد بود. «رعایت اصل برائت کیفری و حاکمیت بخشیدن به آن، در حقیقت یکی از مظاهر حرمت

^۴ - محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، (تهران: انتشارات سمت، ۱۴۰۰)، ۱۶.

^۵ - François Fourment, *Procédure pénale*, (Paris: Editions paradigm, 2013), 52.

گذشتن به اصل کرامت انسان و انسانیت است.^۶ تضمین مصونیت از تعرض غیر مجاز به حقوق و آزادی‌های افراد و احترام به آن‌ها (رعایت اصل احترام به حریم خصوصی)، الزام دادستان یا شاکی به اثبات اتهام و ارائه ادله جرم، منع الزام متهم به اثبات بی‌گناهی خود، منع توسل به روش‌های غیر قانونی و نامشروع در تحصیل ادله (رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل)، ضرورت تفسیر مضیق قوانین کیفری و توسل به اصل تفسیر شک به نفع متهم و بطلان دادرسی در صورت عدول از اصل برائت و توسل به شیوه‌های غیر قانونی بخشی از مهم‌ترین آثار اصل برائت است که باید در اجزای نظام دادرسی و تدابیر قضایی نمود یابد. این گونه است که اصل سی و هفتم قانون اساسی^۷ اصل برائت را مورد پذیرش قرار داده است و به دنبال آن در بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی اذعان می‌دارد «تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد». در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص مجاز نمی‌باشد، مگر به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی، در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند». ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲،^۸ اصل منع شکنجه را به عنوان یکی از آثار اصل برائت، به رسمیت شناخته است و دلیل تحصیلی تحت این شرایط را فاقد ارزش و اعتبار دانسته است.

یکی دیگر از مهم‌ترین اصول قاعده ساز در فرآیند دادرسی‌های کیفری، اصل بی‌طرفی است؛ چراکه «از میان حقوق یا اصول دادرسی، اصل بی‌طرفی، نقش بنیادین دارد و از لوازم حق‌گزاری و دادرسی است؛ به طوری که فقد این وصف در سیستم دادرسی، سایر اوصاف دادرسی یا حقوق اصحاب دعوا را تحت الشعاع قرار می‌دهد و چه بسا سایر حقوق را بی‌معنا و از مفهوم خود تهی سازد».^۹

وقتی از قواعد و اصول حقوقی دیگر، مانند حق افراد در دسترسی سریع به دادگاه، حق دادخواهی یا حقوق دفاعی متهم سخن به میان می‌آید، لازمه این حقوق بی‌طرفی مرجع قضایی است. زیرا صرف این که افراد به دادگاه دسترسی داشته باشند، ولی آن دادگاه بی‌طرف نباشد، فایده‌ای بر حق دادخواهی اشخاص مترتب نخواهد بود و حقوق دفاعی متهم نیز جنبه تشریفاتی و صوری به خود می‌گیرد. در دادرسی، رعایت اصل بی‌طرفی به معنای «بی‌نظری» نیست؛ «اگر مقام تصمیم‌گیر، بر اساس و محور منافع یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدام قضایی کند و معیار کشف یا شناسایی حقیقت یا عدالت را منافع یکی از طرفین قرار دهد، نقض بی‌طرفی صورت گرفته است و الا اگر در جهت کشف حقیقت یا اجرای عدالت اقدام یا اظهاری کند یا طبق واقع عمل کند یا سخن گوید، طبعاً این امر که حسب مورد، موجب تقویت یا تضعیف موقعیت قضایی

^۶ - باقر شاملو، «اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی» در مجموعه مقالات علوم جنایی در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳)، ۲۶۲.

^۷ - اصل سی و هفتم قانون اساسی «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

^۸ - ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید».

^۹ - مرتضی ناجی زواره، دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری، (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴)، ۳۲.

یکی از طرفین نسبت به دیگری است، جزء طبیعت و ماهیت دادرسی بوده و نقض بی طرفی محسوب نمی شود.^{۱۰}

هر چند اصل بی طرفی، نیروی الزام آور خود را از دو حق اساسی و بنیادین دیگر، یعنی حق برابری انسان‌ها و حق برخورداری از کرامت انسانی، می گیرد،^{۱۱} اما این اصل به تنهایی یک اصل قاعده ساز است که در پرتو آن سایر حقوق و اصول مربوط به حقوق اصحاب دعوا تبلور یافته و تفسیر می گردند. بر اساس ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری، «مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند».^{۱۲} به منظور حفظ ظاهر بی طرفانه در دادرسی نیز، بر اساس ماده ۴۲۱ این قانون^{۱۳} نیز از موارد رد دادرسی سخن به میان آمده است.^{۱۴} در راستای تضمین اصل بی طرفی و عدم رسیدگی دادرسان در مواردی که جهات رد دادرسی وجود دارد، در بند پ ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری،^{۱۵} قانونگذار دادگاه تجدیدنظر را مکلف ساخته است تا رأی صادره را نقض و آن را به مرجع صالح ارجاع نماید.^{۱۶}

۲-۱: اصول هدایت گر در درون فرآیند دادرسی

مطالعه اصول هدایت گر در درون فرآیند دادرسی می طلبد که ابتدا ماهیت اصول هدایت گر (الف) مورد بررسی قرار گیرد و سپس مصادیقی از اصول هدایت گر (ب) بیان گردد.

۲-۱-۱: ماهیت اصول هدایت گر

حسن جریان دادگستری و اداره مطلوب فرآیند رسیدگی و به طور کلی، اجرا و پیگیری یک دادرسی عادلانه و منصفانه می طلبد تا روند رسیدگی به یک پرونده قضایی بر اساس اصول و قواعدی دنبال گردد که ضمن احترام به حقوق

^{۱۰} - همان، ۳۴.

^{۱۱} - سید محمد هاشمی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۰)، ۱۲.

^{۱۲} - همچنین در ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است «بازپرس باید در کمال بی طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد».

^{۱۳} - ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری «دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین دعوا نیز می توانند در این موارد ایراد رد دادرسی کنند: الف- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس و یکی از طرفین دعوا یا شریک یا معون جرم؛ وجود داشته باشد. ب- دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوی باشد یا یکی از طرفین، مباشر امور دادرس یا امور همسر وی باشد. پ- دادرس، همسر و یا فرزند او، وارث یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم باشد. ت- دادرس در همان امر کیفری قبلاً تحت هر عنوان یا سمتی اظهار نظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین بوده باشد. ث- بین دادرس، پدر و مادر، همسر و یا فرزند او و یکی از طرفین دعوی یا پدر و مادر، همسر و یا فرزند او، دعوی حقوقی یا کیفری مطرح باشد یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور رأی قطعی، بیش از دو سال نگذشته باشد. ج- دادرس، همسر و یا فرزند او نفع شخصی در موضوع مطروحه داشته باشند».

^{۱۴} - بر اساس بند ۴ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات، در صورت خروج قاضی از بی طرفی در انجام وظایف قضایی، قاضی متخلف با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه هشت تا سیزده محکوم می شود.

^{۱۵} - بند پ ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری « هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادر کننده رأی اعلام می کند».

^{۱۶} - اهمیت اصل بی طرفی تا حدی است که علاوه بر بطالن تحقیقات، در برخی کشورها، مسئولیت انتظامی، مدنی و کیفری نیز برای دادرس پیش بینی شده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک. مرتضی ناجی زواره، پیشین، ۳۱۹-۳۰۹.

اصحاب دعوا، جریان رسیدگی را در یک چارچوب قانونمند، منظم و منسجم جهت کشف حقیقت هدایت و مدیریت نماید. این دسته از اصول که غالباً بر مبنای اصول قاعده ساز استوار گردیده‌اند و نتیجه و ثمره احترام و رعایت آن‌ها هستند، به عنوان اصول هدایت گر شناخته می‌شوند که در جریان رسیدگی‌های کیفری، در ارتباطی مستقیم با تصمیمات و تدابیر دادرسی، نحوه عملکرد مقامات قضایی و چگونگی جری فرآیند دادرسی را مشخص می‌نمایند.

ضمانت اجرای عدم رعایت اصول هدایت‌گر، علی‌الاصول بطلان ادله یا تحقیقات نیست، مگر این که نقض آن‌ها، منجر به نقض اصول قاعده‌ساز گردد؛ به همین علت، در قانون و رویه قضایی، بیشتر ضمانت اجراهای حرفه‌ای و شغلی تا ضمانت اجراهای دادرسی دیده می‌شود.^{۱۷}

بنابراین، اصول هدایت گر اصولی هستند که/اولاً، اساس و مبنای توجیه گر آن‌ها را باید در اصول قاعده ساز و اقتضائات آن‌ها دنبال کرد؛ ثانیاً، مدیریت و اداره فرآیند دادرسی، تصمیمات و تدابیر قضایی و چگونگی عملکرد مقامات قضایی را هدف قرار می‌دهند؛ ثالثاً، عدم احترام به این دسته از اصول، در قانون و رویه قضایی بیشتر، با ضمانت اجراهای انتظامی و مدنی و گاه کیفری مواجه می‌گردد.

۲-۲-۱: مصادیقی از اصول هدایت‌گر

یکی از اصول مهم راهبردی که در راستای حُسن جریان دادرسی و تحقق کارآیی آن، همواره در قانون و رویه قضایی مورد تأکید قرار می‌گیرد، اصل تسریع دادرسی و رعایت استانداردهای مهلت معقول است. این اصل رابطه تنگاتنگی با فرض بی‌گناهی متهم و احترام به حقوق دفاعی او دارد، به گونه‌ای که هر گاه گُندی فرآیند دادرسی، موجب خروج مدت رسیدگی از یک دوره معقول شود و اصل محاکمه متهم در مدت زمان معقول را به مخاطره‌اندازد، رویه قضایی به علت تأثیر این امر بر سایر اصول بنیادین قاعده ساز توسط به ضمانت اجرای بطلان دادرسی را تجویز می‌نماید؛ اما در غیر این صورت، «دوره طولانی یک دادرسی کیفری نمی‌تواند منجر به بطلان آن گردد و فقط باعث حق اعتراض دینفع و حتی تقاضای جبران خسارت علیه دولت می‌گردد».^{۱۸} عدم رعایت اصل تسریع رسیدگی می‌تواند با ضمانت اجرای انتظامی نیز مواجه گردد. بر اساس رأی شعبه دوم دادگاه عالی انتظامی قضات، تأخیر در رسیدگی با توجه به مقررات آیین دادرسی کیفری، تخلف انتظامی بوده و قاضی قابلیت تعقیب انتظامی دارد.^{۱۹} از این روست که شورای اروپا نیز، به موجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با منع تأخیر نامتعارف در عملکرد سیستم عدالت کیفری و اعلام مسئولیت دولت در این زمینه، در صدد نظارت قضایی بر اصل دادرسی غیر بوروکراتیک^{۲۰} برآمده است. این مکانیزم وضعیتی را فراهم می‌کند که شخص به کارآیی دستگاه عدالت کیفری اطمینان

¹⁷- M. Étienne Vergès, Les Principes directeurs du procès judiciaire, Op. cit. 388.

¹⁸- Cass. Crim. 29 Avril 1996.

¹⁹- دادنامه شماره ۱۰۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۲۶ شعبه دوم دادگاه عالی انتظامی قضات، به نقل از: معاونت آموزش قوه قضائیه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های عمومی جزایی، جلد دوم، (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸)، ۱۴۲ و ۲۰۱.

²⁰- بوروکراسی در معنای منفی خود گاهی ریشه در مراحل و تشریفات فراوان و غیر ضروری در عملکرد سیستم عدالت کیفری دارد و گاهی منشأ آن در تأخیر زیاد در رسیدگی و عدم تعیین تکلیف قطعی موضوع است.

نماید.^{۲۱}

اصل سریع بودن دادرسی به عنوان یکی از شروط بدیهی دادرسی عادلانه، نه تنها در قوانین داخلی کشورها مورد توجه قرار گرفته است، بلکه این اصل در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر و در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی وارد شده است. این اصل در تضمین دادرسی عادلانه نقش تعیین کننده ای دارد. «زیرا تأخیرهای ناروا ممکن است سبب از دست دادن ادله یا ضعف حافظه و فراموشی شهود گردد. به علاوه سرعت محاکمه، فرسایش عاطفی متهم را در اثر دادرسی کیفری به حداقل می‌رساند».^{۲۲} در حقوق داخلی، نشانه هایی از توجه قانونگذار به این اصل دیده می‌شود. در این راستا، در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری، به صراحت رسیدگی و اتخاذ تصمیم در فرآیند دادرسی کیفری را در کوتاه‌ترین مهلت ممکن مورد تأکید قرار داده و از هر گونه اختلال یا طولانی شدن دادرسی، منع نموده است.^{۲۳}

در برخی کشورها، ضمانت اجرای عدم رعایت اصل سرعت در رسیدگی و رعایت مهلت معقول در صورتی که وضعیتی را ایجاد نماید که مانع متهم جهت ارائه ادله به نفع خود گردد، علاوه بر جبران خسارت از متهم، آزاد کردن او از توقیف یا بازداشت است.^{۲۴} این در حالی است که اگر مدت این توقیف یا بازداشت بیشتر یا خارج از مهلت تعیین شده قانونی باشد، مقام صادر کننده قرار با ضمانت اجراهای کیفری^{۲۵} و انتظامی^{۲۶} نیز رو به رو خواهد شد.

یکی دیگر از اصول هدایت‌گر، اصل رازداری حرفه‌ای است. هر چند رعایت این اصل در تمامی مراحل دادرسی کیفری مورد پذیرش قرار گرفته است، اما از آن جا که در مرحله تحقیقات مقدماتی بر ویژگی سری و غیر علنی بودن تحقیقات تأکید می‌گردد،^{۲۷} رعایت این اصل از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است. اصل رعایت کرامت و حیثیت اصحاب دعوا به ویژه متهم که در پرتو حمایت اصل برائت قرار دارد، به عنوان یک اصل بنیادین و قاعده ساز می‌تواند دست اندرکاران و مجریان عدالت قضایی، امین و رازدار شهروندان باشند و از افشای اسراری که به دلیل حرفه و شغل خود بر آن آگاهی یافته و برای حفظ آن‌ها سوگند یاد کرده‌اند، خودداری نمایند. از این روست که اصل رازداری حرفه‌ای در مرحله تحقیقات مقدماتی با

^{۲۱} - علی قربانی، *دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر*، (قم: انتشارات حقوق امروز، ۱۳۹۴)، ۱۷۲.

^{۲۲} - مصطفی فضائی، *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی*، (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴)، ۳۳۶.

^{۲۳} - ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل در مورد اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند». همچنین، در ماده ۹۴ این قانون آمده است «تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست».

^{۲۴} - Akhil Reed Amar, *The constitution and criminal procedure, First principles*, (New Haven: Yale University press, 1998), 102.

^{۲۵} - به عنوان نمونه ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (قانون تعزیرات) مقرر می‌دارد «هر گاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذی صلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزائی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دایم از سمت قضائی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد».

^{۲۶} - به عنوان نمونه، در رأی شماره ۲۵۸ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۲۹ شعبه نخست دادگاه عالی انتظامی قضات بیان شده است «طبق ماده ۱۲۳ و ۱۲۴ آیین دادرسی کیفری {سابق}، مأمور تحقیق نمی‌تواند بدون تحقیق از متهم او را بیشتر از ۲۴ ساعت در توقیف نگه دارد. چون دادیار دادسرا متهم را بیش از ۲۴ ساعت در توقیف نگه داشته و از او تحقیق نکرده و تأمین اخذ ننموده، از مواد مزبور تخلف کرده و چون قرار منع تعقیب متهم را ابلاغ نکرده، این تعلق هم تخلف است». برای مطالعه بیشتر ر.ک. احمد کریم زاده، *آرای دادگاه‌های انتظامی قضات در امور کیفری*، (تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۸۶)، ۷۷-۸۴.

^{۲۷} - در ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت موضوع سری بودن تحقیقات مقدماتی پیش بینی شده است. بر اساس این ماده، «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند».

ویژگی سری بودن تحقیقات پیوند خورده است. «منظور از سری بودن تحقیقات این است که دادستان، بازپرس، ضابطان و سایر افرادی که در جریان پرونده قرار می‌گیرند، مکلف به حفظ راز شغلی و اسراری هستند که در جریان آن قرار می‌گیرند و به این صورت از سری بودن، متهم نیز بهره مند می‌گردد».^{۲۸}

اصل رازداری شغلی و حرفه ای در حقوق کیفری ایران، مورد پذیرش قرار گرفته^{۲۹} و در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (قانون تعزیرات)،^{۳۰} عدم رعایت آن با ضمانت اجرای کیفری مواجه گردیده است. هر چند بهتر بود قانونگذار به منظور حمایت بهتر از حقوق دفاعی متهم، رعایت این اصل را به صراحت در مقررات آیین دادرسی کیفری مورد پذیرش و تأکید قرار می‌داد.^{۳۱} در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه پیش‌بینی شده است «به جز در موردی که قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد و بدون لطمه به حقوق دفاعی متهم، دادرسی در جریان تحقیقات به صورت محرمانه انجام می‌گردد. تمام اشخاصی که در جریان دادرسی حضور دارند، موظف به حفظ اسرار شغلی هستند و در صورت تخلف به مجازات‌های پیش‌بینی شده در مواد ۱۳-۲۲۶ و ۱۴-۲۲۶ قانون جزا (تا یک سال حبس و تا ۱۵ هزار یورو جزای نقدی) محکوم می‌شوند».^{۳۲} همچنین، دیوان عالی کشور فرانسه معتقد است نقض سری بودن تحقیقات نمی‌تواند رأساً با ضمانت اجرای بطلان مواجه گردد.^{۳۳} اما در صورتی که عدم رعایت این اصل و به ویژه رازداری حرفه ای باعث صدمه به سایر اصول بنیادین اصحاب دعوا به ویژه حقوق دفاعی آن‌ها گردد، ضمانت اجرای بطلان تحقیقات اعمال می‌گردد.^{۳۴} در صورتی که نقض سری بودن تحقیقات مقدماتی منجر به نقض حقوق دفاعی نگردد، رویه قضایی با ضمانت اجرای انتظامی به نقض این اصل بنیادین پاسخ داده است.^{۳۵}

۲: رابطه غیر مستقیم

برخی از اصول بنیادین دادرسی، چه به عنوان اصول قاعده‌ساز و چه به عنوان اصول هدایت‌گر، رابطه غیر مستقیمی با اقدامات و تدابیر قضایی، خارج از فرآیند رسیدگی‌های کیفری پیدا می‌کنند. دسته‌ای از اصول قاعده‌ساز در بیرون از

^{۲۸}- آشوری، محمد، پیشین، ۳۷.

^{۲۹}- از اصول بیست و دوم و بیست و پنجم قانون اساسی، می‌توان مبانی فلسفی این اصل را استنباط نمود. همچنین، در بندهای ۸ و ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، به نحو ضمنی به این اصل توجه شده است.

^{۳۰}- ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (قانون تعزیرات) مقرر می‌دارد «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل و حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یکسال حبس و یا یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند».

^{۳۱}- این موضوع در ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر کرده است. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند».

^{۳۲}- ر.ک. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه عباس تدین، (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶)، ۳۶.

^{۳۳}- Cass. Crim. 30 Avril 1996. Bull. Crim No. 183.

^{۳۴}- Cass. Crim. 25 Janvier. 1996.

^{۳۵}- به عنوان نمونه ر.ک. دادنامه شماره ۸۳ مورخ ۱۳۷۴/۷/۱۲ دادگاه عالی انتظامی قضات، به نقل از: معاونت آموزش قوه قضائیه، پیشین، ۲۰۳.

فرآیند دادرسی (بند نخست) و دسته‌ای از اصول هدایت گر در بیرون از فرآیند دادرسی (بند دوم) شکل و انسجام یافته و آثار و تبعات خود را بر فرآیند دادرسی بار می‌کنند. این تأثیر می‌تواند در قالب پیش بینی و ارائه سایر اصول و قواعد حقوقی یا تضمین حُسن جریان دادرسی نمود یابد.

۲=۱: اصول قاعده ساز در بیرون از فرآیند دادرسی

هر چند اصول قاعده ساز و اهمیت آن‌ها، پیش از این مورد مطالعه قرار گرفت، اما گاه این دسته از اصول، خارج از فرآیند دادرسی‌های کیفری و در بستر سایر شاخه‌های حقوقی شکل می‌گیرند و در عین حال، فرآیند رسیدگی‌های کیفری را متأثر می‌سازند؛ پس شایسته است از این منظر، مفهوم اصول قاعده ساز مورد مطالعه قرار گیرند (الف) و سپس نمونه‌هایی از اصول قاعده‌ساز (ب) بیان گردند.

۱-۱-۲: مفهوم اصول قاعده‌ساز

این دسته اصول گاه، به صورت مستقیم در درون فرآیند رسیدگی و در دل مقررات آیین دادرسی کیفری شکل می‌گیرند و ریشه و مبنای آن‌ها را باید در درون مقررات و قواعد دادرسی جستجو کرد. اما گاه، برخی از اصول بنیادین قاعده ساز، فارغ از اصول و قواعد خاص دادرسی و در خارج از فرآیند دادرسی و بر مبنای آورده‌های سایر رشته‌های حقوقی به وجود می‌آیند، ولی در عین حال، به صورت غیر مستقیم، جریان دادرسی‌های کیفری را تحت تأثیر قرار می‌دهند و از چنان اهمیتی برخوردار می‌گردند که عدم رعایت آن‌ها، از منظر قانونگذار و رویه قضایی با ضمانت اجرای بطلان مواجه می‌گردند.

هر چند بازشناسی تمامی این گونه اصول بنیادین و شمارش همه ویژگی‌های آن‌ها به راحتی امکان پذیر نیست، اما با وجود این می‌توان برای این دسته از اصول، و رای فرآیند دادرسی‌های کیفری، اوصاف مشترکی را جستجو نمود. نخست این که، اصول قاعده سازی که در بیرون از فرآیند دادرسی کیفری، به وجود می‌آیند، هر چند به طور غیرمستقیم، جریان دادرسی کیفری را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در بدو امر جزء شرایط اعتبار و صحت تدابیر قضایی به نظر نمی‌رسند، اما از چنان اهمیت و جایگاهی در قانون، رویه قضایی و حتی نزد علمای حقوق برخوردار می‌گردند که عدم رعایت آن‌ها به مفهوم زیر سؤال بردن ارزش قضایی و حتی اعتبار اقدامات و تدابیر قضایی است و بنابراین، از ضمانت اجرای بطلان ادله یا تحقیقات منتفع می‌گردند. دوم، این دسته از اصول قاعده ساز، مختص به دادرسی و جریان رسیدگی‌های کیفری نیستند و می‌توانند در قلمروهای دیگر حقوقی نیز تأثیرگذار باشند، زیرا فلسفه و مبنای اصول قاعده ساز خارج از فرآیند دادرسی را علی‌الاصول باید در قوانین اساسی و قواعد بنیادین دیگر مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و ... جستجو نمود و با توجه به آورده‌های این قوانین و مقررات، آن‌ها را توجیه و تفسیر کرد. اصل قانونی بودن به عنوان یکی از اصول بنیادین که توجیه‌گر سایر اصول و قواعد حقوقی است یا اصل احترام به کرامت انسانی اشخاص که مبنای اساسی و حقوق بشری دارد، می‌تواند به عنوان مصادیقی از این دسته از اصول مورد مطالعه قرار گیرد.

۲-۱-۲: نمونه‌هایی از اصول قاعده‌ساز

اصل قانونی بودن دادرسی کیفری یا اصل قانونمندی کیفری، به عنوان یکی از اصول قاعده‌ساز، از ارکان اصل قانونی بودن حقوق جزاست که به موجب آن، احکام محاکم باید به دنبال یک محکمه قانونی و از دادگاه صلاحیت‌دار صادر شده باشند. در حال حاضر، محتوای این اصل در اصل سی و ششم قانون اساسی مورد حکم قانونگذار قرار گرفت.^{۳۶} در نظام کیفری کشورهای غربی، سابقه تاریخی اصل قانونی بودن حقوق جزا و دادرسی کیفری به قرن هجدهم بر می‌گردد. تا آن زمان مقامات قضایی این کشورها در تعیین جرم و پیش بینی میزان کیفر، حد و مرزی نمی‌شناختند و بر اساس زمان، عرف و عادات موجود حکم می‌دادند.^{۳۷}

بکاریا لزوم قانونی بودن جرم و مجازات را این گونه تبیین کرد: «تنها قانون می‌تواند مجازاتی را که منطبق با جرم باشد، معین کند و این اقتدار فقط در دست قانونگذار است که به موجب یک قرارداد اجتماعی نماینده کل جامعه است ... هر شهروندی باید بداند چه موقع بی‌گناه است و چه موقع خطاکار».^{۳۸}

اصل قانونی بودن را می‌توان اصلی قاعده ساز خارج از فرآیند دادرسی دانست که قلمرو خود را به فرآیند دادرسی گسترش داده است. در یک دولت قانونمدار، همه چیز تابع اصول حقوقی و قانونی است و به طور کلی می‌توان از حاکمیت قانون سخن به میان آورد. دولت قانونمدار بر پایه اعتماد به قواعد و اصول حقوقی بنا گردیده است و از آن برای محدود کردن دولت‌ها در سوءاستفاده‌های احتمالی از حاکمیت، استفاده می‌شود. مهم‌ترین اثر حاکمیت قانون، ارزشمند شدن اصول حقوقی و بسط و گسترش آن به قلمروهای مختلف حقوقی است. اصل قانونی بودن تلاش می‌کند تمامی اقدامات و تشریفات حاکمیت در یک چارچوب قانونمند و قاعده مند جریان یابد. در فرآیند دادرسی‌های کیفری نیز این اصل اثر گذار خواهد بود. رعایت اصل قانونی بودن دادرسی به مفهوم پذیرش بسیاری از اصول و قواعد حقوقی مبتنی بر این اصل در جریان دادرسی‌های کیفری مانند اصل برائت، اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری و اصول مربوط به دادرسی منصفانه است. بنا بر این اصل، از زمان ارتکاب جرم تا زمان صدور حکم، باید کلیه تشریفات دادرسی رعایت گردد و در صورت عدم رعایت آیین دادرسی، حکم دادگاه کیفری قابل نقض خواهد بود.^{۳۹} «تأکید دادرسی قانونی در امور کیفری، بدین خاطر است که قضات، اختیار تام در چگونگی محاکمه نداشته باشند؛ چرا که در این صورت به طرف یکی از اصحاب دعوی سوق داده می‌شوند»^{۴۰} و از اصل بی‌طرفی که لازمه رسیدگی‌های کیفری است، دور می‌گردند.

اصل قانونمندی هر چند در نگاه نخست، در بستر حقوق کیفری ماهوی و در مقام شناسایی جرایم و تعیین مجازات

^{۳۶}- اصل سی و ششم قانون اساسی «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».

^{۳۷}- برای مطالعه بیشتر ر.ک. محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۱)، ۱۷۲.

^{۳۸}- سزار بکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۰)، ۳۴.

^{۳۹}- مراجع عالی با توجه به مواد ۴۵۰ و ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، در مواجهه با آراء و تصمیمات قضایی که مغایر با قانون و عدم رعایت تشریفات قانونی صادر گردیده است، از ضمانت اجرای نقض آرای صادره استفاده می‌نمایند. ر.ک. معاونت آموزش قوه قضائیه، مجموعه نشست‌های قضایی، مسایل آیین دادرسی کیفری (۱)، (تهران: انتشارات جاودانه، ۱۳۸۶)، ۱۳۴.

^{۴۰}- علیرضا میلانی، نگرشی بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، (تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶)، ۱۲۶.

آن‌ها مطرح گردیده و سپس، حیطة عملکرد خود را به حقوق کیفری شکلی گسترش داده است، اما هیچ گاه مختص به قلمرو حقوق کیفری نبوده و در بسیاری از شاخه‌های حقوقی مطرح و لازم‌الاتباع گردیده است. به عنوان نمونه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تعارض میان آراء شعب با ذکر این نکته که «آرای صادره از هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری باید مبتنی بر دلایل متقن، معتبر و ضوابط شرعی و قانونی باشد»،^{۴۱} رعایت اصل قانونی بودن را از اصول بدیهی داوری قلمداد نموده و صدور رأی بدون رعایت این اصل را مغایر با مقررات و موازین قانونی تشخیص داده است.

یکی دیگر از اصول قاعده ساز در بیرون از فرآیند دادرسی، اصل رعایت کرامت انسانی اشخاص در فرآیند رسیدگی است. اهمیت این اصل و احترام به حقوق و آزادی‌های شهروندان در قانون اساسی تا آن جاست که این اصل، جزء مبانی اعتقادی نظام و هم طراز اصول اعتقادی چون توحید، نبوت و معاد قلمداد شده و در مقدمه قانون اساسی، آزادی و کرامت انسانی بشر، سرلوحه اهداف قانون اساسی محسوب گردیده است.^{۴۲}

علاوه بر مقررات مذکور، در کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۴۳} که به تصویب دولت ایران نیز رسیده است، کرامت و حیثیت ذاتی انسان‌ها مورد تأکید قرار گرفته و مقررات حمایتی مختلفی در این خصوص پیش بینی گردیده است.^{۴۴} در همه این کنوانسیون‌ها،^{۴۵} حیثیت و کرامت ذاتی انسانی، محور و مبنای عدالت، آزادی، صلح و حقوق مساوی بشر تلقی گردیده است.

در پرتو اصل احترام به کرامت انسانی شهروندان که ریشه در قانون اساسی دارد و مختص به امور کیفری نیست، مشروعیت نظام دادرسی، تعدیل حاکمیت مطلق و انحصاری دولت‌ها و در نهایت قانونمند شدن اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان، تأمین و تضمین می‌گردد. ضرورت اعمال این اصل در دادرسی‌های اداری نیز مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا، بند ۴ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری «پراد تهمت، افترا و هتک حیثیت» را تخلف اداری قلمداد نموده و برای آن ضمانت اجرای انتظامی پیش بینی کرده است.^{۴۶} اگر قواعد آیین دادرسی ظالمانه و خودسرانه باشد و به دولت و مقامات اجرایی قانون، اجازه استفاده از شیوه‌ها و تدابیر خودسرانه و مستبدانه را بدهند، کارایی و مشروعیت سیاسی و اخلاقی خود را از دست خواهند داد.^{۴۷}

اصل حاکمیت قانون که خود مبتنی بر احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها، حقوق و آزادی‌های آن‌هاست، یکی از پایه‌های

۴۱- وحید آگاه، حقوق بنیادین و اصول حقوق عمومی در رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (۱۳۸۸-۱۳۶۱)، (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۹)، ۵۶ و ۷۲.

۴۲- نگاه کنید به فصول نخست و سوم قانون اساسی و اصول مندرج در آن‌ها.

۴۳- ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه و یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا تزدیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش‌های پزشکی یا عملی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است».

۴۴- به عنوان نمونه ر.ک. بندهای ۱، ۲، ۶، ۷ و ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی.

۴۵- به عنوان نمونه ر.ک. ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۵ کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها و مواد ۱۱ و ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر.

۴۶- ر.ک. مواد ۸ و ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری.

۴۷- طوبی شاکری گلپایگانی، سیاست جنایی اسلامی، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶)، ۲۰۱.

مهم آیین دادرسی کیفری به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی است و بر این مبنا توجیه می‌گردد.

از آن جا که مقررات آیین دادرسی کیفری و چگونگی عملکرد مراجع قضایی، بیانگر حدود و قلمرو حقوق و آزادی‌های شهروندان در جامعه است،^{۴۸} احترام به کرامت ذاتی انسان‌ها و رعایت حقوق و آزادی‌های آنان در بستر رسیدگی‌های کیفری از اهمیت بیشتری برخوردار است و با ضمانت اجرای خاص خود تأمین و تضمین می‌گردد. در کنار ضمانت اجرای کیفری^{۴۹} و مدنی^{۵۰} که قانونگذار به علت نقض اصل احترام به کرامت انسانی شهروندان و حقوق و آزادی‌های آن‌ها پیش‌بینی کرده است، می‌توان از ضمانت اجرای خاص دادرسی مانند بی‌اعتباری یا بطلان تحقیقات^{۵۱} و حتی توسل به تجدیدنظرخواهی از آراء به «دعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه» یا «مخالف بودن رأی با قانون»^{۵۲} استفاده نمود.

۲-۲: اصول هدایت‌گر در بیرون از فرآیند دادرسی

اصول هدایت‌گر و اهمیت آن‌ها، پیش از این مورد بررسی قرار گرفت؛ این دسته از اصول، گاه خارج از فرآیند دادرسی‌های کیفری و در بستر سایر رشته‌های حقوقی شکل می‌گیرند، اما فرآیند رسیدگی‌های کیفری را متأثر می‌سازند؛ پس شایسته است از این منظر، مفهوم اصول هدایت‌گر (الف) مورد مطالعه قرار گیرند و سپس مواردی از اصول هدایت‌گر (ب) بیان گردند.

۲-۲-۱: مفهوم اصول هدایت‌گر

همان گونه که گذشت، حُسن جریان دادگستری و اداره مطلوب آن، ایجاب می‌نماید، جریان دادرسی در یک چارچوب قانونمند و منظم جهت کشف حقیقت، هدایت گردد. این مهم، در بستر رعایت مجموعه قواعد و اصولی محقق می‌گردد که در ارتباط با تصمیم‌ها و تدابیر دادرسی، نحوه عملکرد مقامات قضایی و چگونگی جریان دادرسی، تضمین و وضع گردیده‌اند. این دسته از اصول که همواره ارتباط مستقیم با تصمیم‌ها و جریان رسیدگی‌های کیفری ندارند و گاه خارج از فرآیند دادرسی‌های کیفری، در بستر سایر رشته‌های حقوقی شکل می‌گیرند و در زمره آورده‌های این رشته‌ها قلمداد می‌گردند، مدیریت و اداره فرآیند قضایی و عملکرد مقامات قضایی را بر عهده دارند. بنابراین، اصول هدایت‌گر اصولی هستند که در وهله نخست، اساس و مبنای توجیه‌گر آن‌ها را باید در اصول قاعده‌ساز و اقتضائات آن‌ها دنبال کرد؛ در وهله دوم، مدیریت و اداره فرآیند دادرسی،

^{۴۸} - حقوقدان ایتالیایی، ماریو پاکانا، در قرن هجدهم، گفته است «اگر کسی به یک کشور ناشناخته ای وارد شود و خواهان آن باشد که بداند در آن کشور، آزادی‌های مدنی رعایت می‌شود یا نه، باید آیین دادرسی آن کشور را مطالعه کند». ر.ک. ژان پرادل، «به دنبال اصول راهبردی مشترک آیین دادرسی کیفری کشورهای مختلف اروپایی»، ترجمه منوچهر خزانی، مجله دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، ۲۴، ۱ (۱۳۷۶)، ۷۸.

^{۴۹} - به عنوان نمونه ر.ک. مواد ۱۳ و ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۵۷۰ و ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (قانون تعزیرات).

^{۵۰} - به عنوان نمونه ر.ک. ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۱ و ۵ قانون مسئولیت مدنی.

^{۵۱} - عباس تدین، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵)، ۲۳۴.

^{۵۲} - ر.ک. بندهای الف و ب ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری.

تصمیمات و تدابیر قضایی و چگونگی عملکرد مقامات قضایی را نه تنها در فرآیند دادرسی‌های کیفری، بلکه در رسیدگی‌های اداری و مدنی، هدف قرار می‌دهند؛ در وهله سوم، عدم احترام به این دسته از اصول، در قانون و رویه قضایی بیشتر، با ضمانت اجراهای انتظامی و مدنی و گاه کیفری مواجه می‌گردد. در وهله چهارم، فلسفه و مبنای اصول هدایت گر خارج از فرآیند دادرسی را علی‌الاصول باید در قوانین اساسی و قواعد بنیادین دیگر مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر جستجو نمود. اصل استقلال قضایی و اصل در دسترس بودن مرجع قضایی، می‌توانند به عنوان مصادیقی از این دسته از اصول مورد مطالعه قرار گیرند.

۲-۲-۲: مواردی از اصول هدایت گر

اصل استقلال قضایی به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی یا اجرایی است. هرگاه مراجع و قدرت‌هایی در پی آن باشند تا با نفوذ و تأثیر گذاری بر دادگاه یا قضا، رأی و تصمیم آن‌ها را متأثر سازند و دادگاه یا قضا، فاقد ابزار و تضمین‌های لازم برای مصون ماندن از چنین تأثیری باشند، فاقد استقلال خواهند بود.^{۵۳} «منظور از استقلال قضایی، این است که دادرسان در صدور رأی تنها قانون و وجدان را حاکم اعمال خود قرار دهند و توجهی به دستورها، نظرها و خواسته‌های دیگران نداشته باشند، از هیچ مانع و رادعی نهراسند و بیم انفصال، تنزل رتبه و مقام، تغییر محل خدمت و موقعیت شغلی، به خود راه ندهند».^{۵۴} بر اساس اصل یک صد و پنجاه و ششم قانون اساسی، «قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است» و بر اساس اصل یک صد و پنجاه و نهم این قانون، در راستای استقلال قوه قضائیه به منظور جلوگیری از دخالت سایر قوا «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است» و در نهایت، با توجه به اقتضای استقلال قاضی در اصل یک صد و شصت و چهارم از منع انفصال قاضی بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تغییر محل خدمت یا سمت او بدون رضایت سخن به میان آمده است.

بر اساس بخشنامه رئیس قوه قضائیه، «استقلال قضایی در تصمیم‌گیری‌های قضایی ایجاب می‌نماید کار رسیدگی و صدور رأی در دعاوی و اجرای احکام قطعی، با دقت، مطابق با قوانین و مقررات صورت گیرد. افراد و مقاماتی که در قوه قضائیه یا خارج از آن تکلیفی در این زمینه ندارند، نباید در اتخاذ تصمیم‌های قضایی توصیه یا دخالتی نمایند. احکام و قرارها باید به نحوی موجه و مستدل باشند که برای طرفین و اذهان عمومی شائبه اعمال نفوذ و سفارشی را دربر نداشته باشد و همگان را به سیر یک دادرسی عادلانه و عاری از توصیه، مطمئن سازد. از این رو، قضا در جریان اقدام‌های قضایی نباید توصیه‌ای خارج از اصول، اشخاص و مقام‌های قضایی را مورد توجه قرار دهند و تحت تأثیر نفوذ متنفذین یا افراد مطرح و شاخص مرتکب اقدام خلاف قانون شوند و الا مورد مواخذه و پیگرد انتظامی قرار خواهند گرفت».^{۵۵} به موجب ماده ۱۷

^{۵۳}- فضائلی، مصطفی، پیشین، ۱۸۰.

^{۵۴}- محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری (اندیشه‌ها)، جلد چهارم، (قم: انتشارات اشراق (دانشگاه قم)، ۱۳۸۱)، ۲۹۹.

^{۵۵}- بخشنامه شماره ۱۳۳۴۴/۱۷۹/۱ مورخ ۷۹/۷/۲۶ رئیس قوه قضائیه.

آیین نامه نظارت و ارزیابی دادستانی انتظامی قضات،^{۵۶} عدم حُسن اجرای بخش نامه‌های رئیس قوه قضائیه تخلف انتظامی محسوب می‌گردد.

استقلال نهاد قضایی علاوه بر مراجع کیفری، باید در رسیدگی‌های حقوقی و اداری و از سوی دولت و مأمورین دولتی نیز رعایت و در قوانین اساسی و عادی تضمین گردد.^{۵۷} در همین راستا، دیوان عدالت اداری احکامی را در جهت تضمین استقلال قوه قضائیه صادر نموده است. به عنوان نمونه، در دادنامه شماره ۱۷۱ مورخ ۷۹/۵/۱۶، شعبه دیوان عدالت اداری، ابطال موادی از آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر را به این جهت اعلام نموده است که وضع مقررات دولتی در جهت تحدید و تصیق قلمرو صلاحیت، اختیارات و استقلال قاضی در امر قضا مغایر با اصول ۱۵۶ و ۱۶۷ قانون اساسی در خصوص استقلال قوه قضائیه و اعتبار استنباط و استنتاج قاضی از مقررات موضوعه می‌باشد.^{۵۸}

یکی دیگر از اصول هدایت گر در بیرون از فرآیند دادرسی، اصل در دسترس بودن مرجع قضایی است. این اصل به مفهوم پیش بینی و وجود نهادهای قضایی، فقدان موانع طبیعی یا فیزیکی در دسترسی به آن‌ها و در نهایت عدم مانع قانونی یا انسانی (تصمیم‌ها و عملکرد مقامات دولتی) در دسترسی به دادگاه است. این اصل به عنوان یکی از حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس اصل سی و چهارم این قانون «د/خواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور د/خواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». اطلاق واژه «د/دگاه‌های صالح» نشان می‌دهد که اصل دسترسی همه افراد به دادگاه، هم شامل مراجع قضایی و هم شامل مراجع اداری می‌گردد. به عبارت دیگر، بیان اصل د/خواهی در ذیل فصل مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی، بدین معناست که قانونگذار علاوه بر محاکم قضایی در تمامی هیأت‌ها و کمیسیون‌هایی که به امر قضا و حل و فصل اختلافات می‌پردازند، رعایت این اصل را ضروری دانسته است. برخی از آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز بر این موضوع صحه می‌گذارند.^{۵۹}

در راستای تضمین اصل در دسترس بودن نهادهای قضایی، قانونگذار در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (قانون تعزیرات)،^{۶۰} به صراحت استنکاف مقام قضایی از قبول شکایت یا رسیدگی به آن را جرم دانسته و برای

^{۵۶} - ماده ۱۷ آیین نامه نظارت و ارزیابی دادستانی انتظامی قضات مصوب ۸۲/۴/۸ «هیأت اعزامی، حُسن اجرای بخشنامه‌های رئیس قوه قضائیه را بررسی، در صورت مشاهده تخلف جهت تعقیب انتظامی مراتب را صورتجلسه و در گزارش خود منعکس می‌نماید».

^{۵۷} - ر.ک. ماده ۱ اصول بنیادین استقلال قضایی.

^{۵۸} - ر.ک. آگاه، وحید، پیشین، ۳۴.

^{۵۹} - به عنوان نمونه ر.ک. رأی وحدت رویه شماره ۲۱۵ مورخ ۶۹/۹/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک. آگاه، وحید، پیشین، ۶۸-۶۹.

^{۶۰} - ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (قانون تعزیرات) «هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آن‌ها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده محکوم خواهد شد».

مرتکب ضمانت اجرای کیفری و جبران خسارت متضرر را پیش بینی نموده و حتی نرساندن شکایت زندانی به مقامات ذی صلاح یا عدم استماع آن را نیز با ضمانت اجرای کیفری مواجه ساخته است.^{۶۱} علاوه بر ضمانت اجرای کیفری و مدنی، استتکاف از رسیدگی و امتناع از انجام وظایف قانونی به عنوان یک تخلف انتظامی شناخته شده و برای مرتکب ضمانت اجرای انتظامی نیز پیش بینی شده است.^{۶۲}

نتیجه گیری

رعایت هر قاعده حقوقی نیازمند تضمین آن قاعده از طریق پیش بینی ضمانت اجرای مطلوب و مناسب است. این ضمانت اجراها، تضمین گر حُسن جریان این اصول در مراحل مختلف دادرسی به ویژه مرحله تحقیقات مقدماتی خواهند بود.

برخی از اصول بنیادین دادرسی رابطه تنگاتنگی با اقدامات و تدابیر قضایی در فرآیند رسیدگی های کیفری دارند. این دسته از اصول و قواعد دادرسی، در جریان رسیدگی های کیفری، شرایط اعتبار و صحت اعمال و تدابیر قضایی را هدف قرار می دهند و هر چند در قالب یکی از اصول بنیادین نمود می یابند، اما به عنوان اصولی قاعده ساز قلمداد می شوند که در دل فرآیند دادرسی و در ارتباط با اقدامات قضایی قرار گرفته و به عنوان معیار سنجش سلامت و صحت این تدابیر در نظر گرفته می شوند. عدم رعایت آن ها با ضمانت اجرای بطلان یا بی اعتباری اقدامات و تدابیر رو به رو می گردد؛ اما دسته دیگری از این اصول به عنوان اصول راهبردی شناخته می شوند که هدف آن ها اعتبار بخشی به اقدامات قضایی نیست، بلکه به دنبال تضمین حُسن جریان دادگستری و اداره مطلوب فرآیند قضایی هستند و عدم رعایت آن ها با ضمانت اجرای غیر از بطلان یا بی اعتباری اقدامات و تدابیر رو به رو می گردد.

حُسن جریان دادگستری و اداره مطلوب فرآیند رسیدگی و به طور کلی، اجرا و پیگیری یک دادرسی عادلانه و منصفانه می طلبد تا روند رسیدگی به یک پرونده قضایی بر اساس اصول و قواعدی دنبال گردد که ضمن احترام به حقوق اصحاب دعوا، جریان رسیدگی را در یک چارچوب قانونمند، منظم و منسجم جهت کشف حقیقت هدایت و مدیریت نماید. این دسته از اصول که غالباً بر مبنای اصول قاعده ساز استوار گردیده اند و نتیجه و ثمره احترام و رعایت آن ها هستند، به عنوان اصول هدایت گر شناخته می شوند که در جریان رسیدگی های کیفری، در ارتباط با تصمیمات و تدابیر دادرسی، نحوه عملکرد مقامات قضایی و چگونگی جری فرآیند دادرسی را مشخص می نمایند. ضمانت اجرای عدم رعایت اصول هدایت گر، علی الاصول بطلان ادله یا تحقیقات نیست، مگر این که نقض آن ها، منجر به نقض اصول قاعده ساز گردد؛ به همین علت، در قانون و رویه قضایی، بیشتر ضمانت اجرای حرفه ای و شغلی تا ضمانت اجرای دادرسی

^{۶۱}- ر.ک. مواد ۵۷۲ و ۵۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (قانون تعزیرات).

^{۶۲}- ر.ک. بند ۵ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات و برای مطالعه رویه قضایی در مورد این موضوع، ر.ک. معاونت آموزش قوه قضائیه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه های عمومی جزایی، پیشین، ۱۴۴.

در این خصوص دیده می شود. عدم احترام به اصول و قواعد دادرسی باعث می گردد که ادله جمع آوری شده یا تحقیقات صورت گرفته در معرض بطلان و بی اعتباری قرار گیرند یا اقدامات و ادله تحصیلی هر چند باطل نگردند، اما کارایی و اثر خود را از دست بدهند که در این حالت با عدم پذیرش عمل یا دلیل روبه رو می شویم.

هر چند این ضمانت اجراهای ناظر به جریان دادرسی، تدبیر مناسبی جهت اعاده وضعیت ناقض اصول دادرسی و جبران آن است، اما این ضمانت اجراها در واقع، پاسخی به تدابیر مغایر با اصول دادرسی قلمداد می گردند و فی نفسه واکنشی نسبت به مقامات قضایی به عنوان یکی از طرفین و کنشگران جریان رسیدگی، که مرتکب نقض این اصول شده اند، به حساب نمی آیند؛ در حالی که این مقامات نیز می بایست با اثر چنین ضمانت اجراهایی رو به رو گردند. از این رو، در قوانین و مقررات طیف گسترده ای از تدابیر انتظامی - اداری و یا کیفی - مدنی نیز در این خصوص پیش بینی شده است.

Guaranteeing fundamental principles in the light of criminal proceedings

Abstract

Exploring every legal system shows that the fundamental principles of that legal system make up the infrastructure and foundations of that system. The fundamental principles of proceedings as general and permanent principles are rooted in the fundamental rights, whose presence causes permanence and durability, and their absence causes disintegration of the life of proceedings and its legitimacy. These principles find their origin in the values and beliefs of each system, the achievements and teachings of human rights, domestic laws and international documents, and for this reason, they become more important in the field of criminal procedure. Therefore, it will be possible to provide and guarantee them through recognizing the relationship of these principles with judicial measures and determining the guarantee of proportional implementation against any deviation or violation of these principles. The relationship between procedural principles, which in some cases are rule-making and in some cases strategic, with criminal measures can sometimes be found within the criminal trial process and sometimes outside the criminal trial process. In this article, in a descriptive-analytical way, an attempt has been made to recognize the type of principle and the type of relationship between rule-making or strategic principles and procedural measures, on the one hand, the degree of importance and position of that principle, and on the other hand, the guarantee of implementation. It should be determined and explained in response to the violation of that principle.

Key words: Fundamental principles, Rule-making principles, Strategic principles, Criminal procedure.

منابع

۱. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران: نشر میزان، ۱۴۰۱.
۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۴۰۰.
۳. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری (اندیشه‌ها)، جلد چهارم، قم: انتشارات اشراق (دانشگاه قم)، ۱۳۸۱.
۴. آگاه، وحید، حقوق بنیادین و اصول حقوق عمومی در رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (۱۳۸۱-۱۳۶۱)، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
۵. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران: نشر میزان، ۱۴۰۰.
۶. پرادل، ژان، «به دنبال اصول راهبردی مشترک آیین دادرسی کیفری کشورهای مختلف اروپایی»، ترجمه منوچهر خزانی، مجله دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، ۲۴، ۱(۱۳۷۶)، ۷۸.
۷. تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.
۸. شاکری گلپایگانی، طوبی، سیاست جنایی اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶.
۹. شاملو، باقر، «اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی» در مجموعه مقالات علوم جنایی در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، ۲۶۲-۲۸۳، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۱۰. فضائی، مصطفی، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴.
۱۱. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه عباس تدین، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶.
۱۲. قربانی، علی، دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، قم: انتشارات حقوق امروز، ۱۳۹۴.
۱۳. کریم زاده، احمد، آرای دادگاه‌های انتظامی قضات در امور کیفری، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۸۶.
۱۴. معاونت آموزش قوه قضائیه، مجموعه نشست‌های قضایی، مسایل آیین دادرسی کیفری (۱)، تهران: انتشارات جاودانه، ۱۳۸۶.
۱۵. معاونت آموزش قوه قضائیه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های عمومی جزایی، جلد دوم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
۱۶. میلانی، علیرضا، نگرشی بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
۱۷. ناجی زواره، مرتضی، دادرسی بی طرفانه در امور کیفری، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴.
۱۸. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان، ۱۴۰۰.

19. Amar, Akhil Reed, *The constitution and criminal procedure, First principles*, New Haven: Yale University press, 1998.

20. Cornu, Gérard, *Vocabulaire juridique*, Paris: Puf, 2022.

21. Fourment, François, *Procédure pénale*, Paris: Editions paradigme, 2013.

22. Vergès, M. Étienne, “Les principes directeurs du procès judiciaire”, Thèse dactyl, université d’Aix-Marseille, 2000.

23. Vergès, M. Étienne, *Procédure pénale*, Paris: Lexis Nexis, 2020.